

بررسی تأثیر جهانی‌شدن فرهنگی در ایجاد تغییرات ساختاری و کارکردی نهاد خانواده (مطالعه موردی: زنان شاغل در شهرداری منطقه ۷ تهران)

زهرا اشرفی^۱، عباسعلی قیومی^۲، محسن عامری شهبابی^۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر جهانی‌شدن فرهنگی در ایجاد تغییرات ساختاری و کارکردی نهاد خانواده در میان زنان شاغل در منطقه ۷ شهرداری تهران است. روش تحقیق بکار گرفته شده در این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر نوع داده‌ها کمی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان شاغل در منطقه ۷ شهرداری تهران هستند که تعداد آنها حدوداً ۲۵۰۰ نفر می‌باشد. با توجه به ضوابط نمونه‌گیری تعداد ۳۳۵ نفر بعنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. در مرحله بعد براساس مدل مفهومی پژوهش، سوالات و فرضیه‌های پژوهش، با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، گویه‌های مستخرج در نمونه آماری تحقیق مورد پرسش قرار گرفته است. با توجه به سطح سنجش متغیرها و نوع فرضیات از هر دو دسته آزمون‌های تفاوت و رابطه استفاده گردیده است. برای انجام آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار AMOS23 استفاده شده است. با توجه به داده‌های پژوهش می‌توان گفت از دیدگاه زنان شاغل در منطقه ۷ شهرداری تهران جهانی‌شدن فرهنگی در ایجاد تغییرات ساختاری و کارکردی نهاد خانواده موثر می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده، بیشترین مقدار فراوانی مربوط به تغییر در دیدگاه‌ها و ارزش‌ها و کمترین مقدار فراوانی مربوط به تغییر در نقش‌ها و عملکردها می‌باشد. و بیشترین مقدار فراوانی مربوط به تغییرات در ساختار خانواده و کمترین مقدار فراوانی مربوط به تغییرات در اشتغال زنان می‌باشد.

واژگان کلیدی: جهانی‌شدن فرهنگی، خانواده، تغییرات ساختاری، تغییرات کارکردی

^۱ کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال Ashrafizahra2014@gmail.com

^۲ دانشیار، دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

^۳ استادیار، دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

مقدمه

جهانی شدن خواه بعنوان یک فرایند غیرقابل اجتناب و خواه بعنوان یک پروژه از پیش طراحی شده برای رسیدن به اهدافی خاص، پدیده‌ای است که در دوران کنونی بر تمامی جنبه‌های انسان معاصر تاثیر گذاشته و تحولاتی را در آنها به وجود آورده است. جهانی شدن هرچند پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود ولی به یک معنا فرآیندی تاریخی است. در فرآیند جهانی شدن فشرده‌گی زمان و مکان به حدی فزاینده است که بواسطه آن مردم دنیا کم و بیش و به صورت نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند. از آن جهت که شمولیت جهانی شدن همه ابعاد زندگی امروزی را در بر گرفته است، تفاسیر و معانی جهانی شدن نیز متأثر از تحلیل و تفسیر روندها و پدیده‌های حاصله از آن متعدد است. بطوریکه جهانی شدن را می‌توان بعنوان یک ایده و آموزه، بعنوان یک الگو و پروژه، بعنوان فرآیند تاریخی حیات بشر، به مثابه آینده محتمل، به مثابه یک وضعیت و نهایتاً بعنوان یک روند تفسیر کرد (3: Ghasemi, 2010). اندیشمندان، جهانی شدن را فرآیندی چندبعدی، ناهمگون و پر از احتمال و عدم قطعیت می‌دانند اما در مجموع آن را جریانی اجتناب‌ناپذیر و به سوی تکامل تلقی می‌کنند که نتایج آن غیرقابل پیش‌بینی است. اما آنچه امروزه بعنوان یک واقعیت در حال وقوع است فراملی شدن روابط و پدیده‌های غیردولتی و فراگیری قواعد، هنجارها و رژیم‌های فراملی در سطح جهانی است.

۱۰۸ گل محمدی معتقد است: «جهانی شدن عبارت است از فرآیند فشرده‌گی فزاینده زمان و فضا که بواسطه آن، مردم دنیا کم و بیش و به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند» (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱). جهانی شدن از لحاظ فرهنگی نیز از جمله موضوعاتی است که در چند دهه اخیر در مجامع فرهنگی و محافل دانشگاهی بحث‌های فراوانی را موجب و تفسیرهای متعددی از آن ارائه شده است. در دنیای جدید، فرهنگ از موضوعاتی است که همگان چه در محیط‌های دانشگاهی و چه غیردانشگاهی از آن سخن به میان می‌آورند. بسیاری بر این عقیده‌اند که در جهانی زندگی می‌کنیم که در آن، نشانه‌ها، نهادها و رسانه‌ها، موقعیتی مرکزی در عرصه اقتصاد به وجود آورده‌اند. جهانی که در آن ساختار هویت‌های ما بیش از پیش براساس تصور، شکل می‌گیرد (Smith, 1999). روشن است که جهانی شدن موجب انتقال بسیار سریع و گسترده فرهنگ‌ها و سبک زندگی مدرن در تمام حوزه‌های زندگی و حتی باعث تغییر در ارزش‌ها، هویت و روابط انسانی و عواطف انسان‌ها در تمام جهان شده است. بنابراین روند شتابان جهانی شدن، فرهنگ را به شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در جهانی که محصول جهانی شدن است، انسان‌ها با هم در تعامل هستند و هر لحظه بواسطه ارتباطات ماهواره‌ای می‌توانند از یکدیگر باخبر باشند. از سویی دیگر، جهانی شدن فرهنگ باعث می‌شود تا فرهنگ‌های ملی در حاشیه قرار گرفته و کنار گذاشته شوند بنابراین هر فرد در هر جامعه شاهد آن خواهد

بود که ارزش فرهنگ‌های بومی و ملی را از دست داده و به فرهنگ‌هایی گرایش پیدا خواهد کرد که از نظر فکری، اخلاقی و روحی ساخته و پرداخته فرهنگ‌های دیگر است (قلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۹).

خانواده، بعنوان مهمترین نهاد اجتماعی از گروهی از انسان‌ها شکل گرفته که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپذیری با یکدیگر در ارتباط بوده و در یک دوره زمانی نامشخص، با هم زندگی می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۸: ۳۴). این نهاد اجتماعی در طول تاریخ، همواره نقشی حیاتی برای رشد، پیشرفت و اجتماعی شدن نوع انسان ایفا کرده و ضمن تأثیرگذاری، تأثیرپذیری خاصی از شرایط جامعه دارد. در واقع خانواده در دل جامعه زندگی می‌کند و از این جهت عمیقاً در ارتباط و تحت تأثیر تغییرات و تحولات جامعه قرار دارد. جامعه‌ای که خود در مسیر تبدیل به یک جامعه جهانی حرکت می‌کند. مهمترین و بیشترین تأثیر تغییر تحولات اجتماعی بر «خانواده» در دوره موسوم به جهانی شدن بوده است. جهانی شدن توانسته است ساختار خانواده را زیرورو کند و الگوی جدیدی را از خانواده معرفی کند که بکلی متفاوت از خانواده در دوران‌های گذشته است (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۷). گسترش شکل‌های گوناگون خانواده موجب شده است که افراد، انتقال در خانواده را طی دوره‌های مختلف زندگی خویش در مقایسه با نسل پیشین بیشتر تجربه کنند. طلاق، ازدواج مجدد، روابط با ناپدری و نامادری و فرزندخواندگی که همراه با بار عاطفی شدید است، معضلات شخصی و قانونی برای اعضای اصلی و وابسته خانواده‌ها به وجود می‌آورد. افزون بر این، کیفیت روابط در خانواده‌ها نیز متأثر از فرآیند

جهانی شدن، روند نزولی را با سرعت کم‌وبیش می‌پیماید. همچنین جهانی شدن، به سبب ایجاد تحولات اساسی در ارتباطات، فردگرایی، مصرف‌گرایی و تضعیف فرهنگ‌های بومی، روابط بین اعضای خانواده را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. بطوریکه در زمینه ارتباطات و فناوری‌های اطلاعاتی، انسان‌ها در نهاد خانواده در رابطه‌ای یکطرفه با سیستم‌ها و ابزارهای صنعتی و تکنولوژیک همچون رسانه قرار گرفته‌اند که تأثیرپذیری بر آن ندارند (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۳۷).

بنابراین جهانی شدن نه تنها کارکردهای خانواده، بلکه اصل و تمامیت آن را به چالش کشیده است. افزایش طلاق در جوامع امروزی بویژه از نوع غربی، حدود یک سوم از ازدواج‌ها را در بر گرفته، علاوه بر این همزیستی‌های مشترک تا سه برابر افزایش یافته و چالش‌هایی را برای اصل خانواده در جوامع بشری ایجاد نموده است. ضمن اینکه شکل‌گیری خانواده‌های تک‌والدی، خانواده‌های بدون فرزند، ازدواج‌های قراردادی غیرسنتی و همزیستی همجنس‌گرایان، اعم از زن یا مرد و ...، به نوعی گسست نظام خانواده سنتی را در پی داشته و فرآیند تولیدمثل را کاهش داده است. در هر صورت، به موازات موج وسیع صنعتی شدن و رشد مظاهر زندگی مدرن، جوامع سنتی دستخوش تغییرات و تحولات عمده در عرصه عناصر پایه‌ای فرهنگ گشته و گریزی از جهانی شدن ندارند (وایت، ۱۳۸۰: ۱۱). بنابراین برای آنکه بتوان در تمامی ابعاد جامعه بویژه اجتماعی، فرهنگی

و نظام‌های مربوطه همچون نظام خانواده، از آسیب‌های ناشی از جهانی شدن در امان بود، باید بتوان گویی مطلوب و کارآمد را طراحی و اشاعه داد. البته در شرایط حاضر الگوهای بسیاری در جوامع کنونی از جمله جامعه ایرانی به نسبت رایج است ولی نکته‌ای که در بحث جهانی شدن و تحولات امروز جامعه ایرانی مطرح است، تحول این الگوهاست و وجود آسیب‌هایی که برخی از آنها مطرح شد، حاکی از آن است که رهایی نظام اجتماعی خانواده از آسیب‌های موجود، مستلزم طراحی و ارائه الگویی جهت توانمندسازی خانواده‌ها در برابر آسیب‌های ناشی از جهانی شدن براساس مولفه‌های فرهنگی در جامعه ایرانی می‌باشد. توانمندسازی فرآیندی است پویا و خودجوش از متن بافت فرهنگی - اجتماعی یک جامعه که به افراد افزایش قدرت و توانایی می‌دهد تا بتوانند برای بهبود وضعیت زندگی خویش اقدام نمایند (زارع، ۱۳۸۶). اغلب مطالعات موجود نگرش آسیب-شناسانه به خانواده دارند و گفتمان غالب در این زمینه شناخت آسیب‌ها و تحولات منفی در الگوی خانواده می‌باشد. اما در این پژوهش تلاش شده است راهکارهای مناسب فرهنگی جهت توانمندسازی خانواده را توضیح داده و لزوماً محدود به وجوه آسیب‌شناسانه نشده است. مساله این تحقیق بررسی تاثیر جهانی شدن فرهنگی در ایجاد تغییرات ساختاری و کارکردی نهاد خانواده در میان زنان شاغل منطقه ۷ شهرداری تهران می‌باشد.

۱- چهارچوب نظری تحقیق

۱۱۰ با پیدایش برنامه‌های ماهواره‌ای و ارسال فرامرزی و نقض حاکمیت کشورها از دهه ۸۰ میلادی، نگرانی‌هایی در جوامع بین‌المللی ایجاد گردید. چراکه این نوع برنامه‌ها مقولاتی نظیر سودهای کلان تبلیغات بازرگانی، فروش فوق‌العاده تولیدات صنعتی از طریق تبلیغ در پیام‌های بازرگانی، اثرگذاری و اثرپذیری سیاسی، روزمرگی بیش از حد در زندگی انسان‌ها، سوداژدگی و تکنیک‌زدگی زندگی اجتماعی، تغییر و تحریف معانی واژه‌هایی نظیر آزادی عقیده، آزادی بیان، شکل‌گیری آراء و اندیشه‌ها، حق و حقوق، آزادی و همچنین تأثیرات اجتماعی و آثار سوء تربیتی، بویژه در مقولات مربوط به خشونت و برهنگی و ... در آن مشهود بوده است. به دنبال این نگرانی‌ها اولین بار در اروپای غربی در سال ۱۹۷۹ سمیناری بین‌المللی در خصوص این برنامه‌ها و تأثیرات آنها بر شخصیت افراد برگزار گردید که نتیجه این سمینار عبارت بود از:

- رشد روزافزون بی‌سوادی عمومی: در اثر تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی قدرت تمرکز در انسان‌ها کاهش می‌یابد، بطوریکه عاجز از خواندن یک مطلب بوده و به دلیل عدم توانایی درک پیام نهفته در آن و ناتوانی در تحلیل و استنتاج عبارات، حوصله مطالعه را به مرور از دست داده و قدرت قرائت و کتابخوانی را از دست می‌دهند (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۱)؛

- در فضای آموزشی دبستانی و دبیرستانی، دانش‌آموزان قدرت تمرکز و فراگیری را به مرور از دست می‌دهند؛

- ارتباط انسان‌ها با یکدیگر و روابط عاطفی و اجتماعی میان آنها کاهش یافته و شعور اجتماعی به پیروی از آن رو به ابتدال گذارده است؛

- نظام اخلاقی و نظام اندیشه و مبانی شکل‌گیری آراء و عقاید از بین رفته است؛

- ارزش‌های انسانی و باورهای مذهبی و نمادهای ملی و میهنی رنگ و شکل باخته است؛

- نسبت مسائل اجتماعی بی‌تفاوتی صورت گرفته است.

در نتیجه همه اینها، خطر سقوط فرهنگ و اجتماع بیش از هر زمان دیگر نمودار است، و نه تنها جامعه آمریکا و کشورهای متمدن غرب بلکه سراسر جوامع را در معرض تهاجم قرار داده است. در زیر به عمده‌ترین آسیب‌های ناشی از جهانی‌شدن برای خانواده‌ها بطور کلی اشاره می‌شود (عباسی مولید، ۱۳۹۰: ۲۷).

۱-۱- تغییرات ساختاری در خانواده

از جمله سیستم‌هایی که تعامل افراد و روابط میان آنها شکل می‌گیرد، نهاد خانواده است. در محیط خانواده، افراد تحت تأثیر نیازهای دوجانبه، الگوهای ارتباطی و حس وفاداری به یکدیگر پیوند خورده‌اند. و عمل هر یک از افراد بر سایر اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد. حضور رسانه‌ها نیز بطور اعم و رسانه‌های ماهواره‌ای بطور اخص، تأثیرات بسیار عمیقی بر خانواده گذارده است که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱) رسانه‌های ماهواره‌ای دیواره‌های خانواده را هرچه بیشتر نفوذپذیر ساخته و حوادث را نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح جهانی به خانه‌ها وارد می‌کنند (عنایت و موحد، ۱۳۸۳: ۱۹)؛
 - ۲) در محیط خانواده می‌توان به برقراری ارتباط با دنیای خارج پرداخت؛
 - ۳) چنین مبلمان و اثاثیه خانواده متأثر از برنامه‌های ماهواره خواهد بود؛
 - ۴) معماری خانه‌ها به دلیل حضور رسانه‌های نوین تغییر می‌یابد؛
 - ۵) انسان‌ها به جای ارتباط با یکدیگر، با اشیاء اطراف خود ارتباط برقرار می‌کنند و در واقع پدیده‌ای به نام شیء سروری اتفاق می‌افتد؛
 - ۶) فضای عاطفی خانواده کاهش می‌یابد؛
 - ۷) عادات خانواده تغییر می‌کند برای مثال، برنامه غذا خوردن با رسانه‌های جمعی مطابقت می‌یابد و نوع غذا نیز به دلیل استفاده هرچه بیشتر از رسانه‌ها تغییر کرده و ساده‌تر می‌شود (همان، ۲۰)؛
 - ۸) تفاوت موجود در رسانه‌ها و آنچه در زندگی واقعی وجود دارد، خانواده را دچار تضاد می‌کند؛
 - ۹) ارزش‌های خانواده مخدوش می‌شود و در نتیجه شخصیت‌های دوگانه شکل می‌گیرد (همان، ۲۱).
- باتوجه به مطالب مذکور مشخص می‌گردد که اعضای یک خانواده تا چه حد می‌توانند در گردش کار سیستمی و نظام‌مند خانواده موثر باشند. چنین به نظر می‌رسد که توجه به یک دیدگاه ارتباطی برای بررسی روابط

خانوادگی مفید باشد زیرا تعامل جزء جدایی‌ناپذیر ارتباط است و از طریق یک کنش ارتباطی است که افراد تعاملات اجتماعی خود را آغاز، تعریف، حفظ و فسخ می‌کنند. یعنی خانواده از حالت گسترده به هسته‌ای و سپس به صورت خانواده‌های تک‌نفری و تک‌والدی تبدیل گشته و سرانجام اینکه زندگی مشترک بدون ازدواج و نسبت نوزادانی که بدون پیمان ازدواج دنیا می‌آیند و حتی افت شدید و بی‌سابقه و پایین‌تر از میزان جایگزینی، در حال افزایش است (ضیایی‌پور، ۱۳۹۴).

۱-۲- تغییر در نقش‌ها و عملکردها

منظور از تغییر در نقش‌ها و عملکردها این است که اولاً نقش‌های سنتی و قدیمی زن و مرد و فرزندان در داخل خانواده تغییر یافته است یعنی مدیریت مردسالارانه و نقشی که در تعیین معیشت زندگی و اقتصاد خانواده درد از انحصار مرد درآمده و با ورود زنان به عرصه کار، این امر عمیقاً دگرگون گشته است (کاستلز، ۱۳۸۰). فرزندان، با ورود به سن کار از محیط خانواده جدا شده و بطور مستقل نقش خود را در جامعه ایفا می‌نمایند این درحالیست که در گذشته داشتن فرزند به منزله کسب درآمد بیشتر و یا دفاع بیشتر از خانواده در تنازعات محسوب می‌شد. در واقع می‌توان گفت نهاد خانواده، بطور کلی و در محیط اجتماعی، کارکردهای قبلی خویش را از دست داده است. در جوامع امروزی، به خاطر تقسیم تخصصی کار، هر شخص کارکرد اقتصادی ویژه‌ای را برعهده دارد؛ بیشتر کارکرد اجتماعی کردن نوباوگان، از خانواده گرفته شده و به مدارس واگذار می‌شود. کارکردهای اقتصادی نیز از خانواده گرفته شده‌اند؛ یعنی حکومت، از طریق برنامه‌های رفاهی، تأمین اجتماعی، تأمین مسکن و خدمات بهداشتی، قدرت مانور و بروز عملکردهای خانواده را از آن گرفته است. کارکرد حفاظتی خانواده نیز، از خانواده گرفته شده و به دولت واگذار گردیده است. دین و آموزش مذهبی نیز که زمانی در دست خانواده بود، اکنون برعهده موسسات دولتی است (کوئن، پیشین: ۲۷).

۱۱۲

۱-۳- تغییر در سبک زندگی

در جهان امروز نه تنها سبک زندگی قدیمی و سنتی، خانواده را شدیداً در تنگنا قرار داده و حتی به اضمحلال نزدیک نموده است، بلکه فرد و خانواده، هر دو را، با تنوع سبک‌ها روبرو کرده است. از طرفی در جوامع مدرن اشتغال زنان امری پذیرفته شده است. به تدریج در ۵۰ سال گذشته با توجه به افزایش روند تحصیلات و مهارت اجتماعی بانوان ایرانی ضریب اشتغال آنان نیز در جامعه با روند صعودی صورت پذیرفته است. و خودباوری، آگاهانه زیستن، خویشتن‌پذیر بودن، خودمسئولی، اعتماد به نفس کافی، خود تأییدی، هدفمندی و صداقت از عناصری است که در زنان شاغل بیشتر دیده می‌شود (شهابی و جهانگردی، ۱۳۸۷: ۲۳). اشتغال زنان در خارج از خانه از پدیده‌های اجتماعی مورد توجه در جامعه‌شناسی خانواده است که اگرچه ممکن است بیانگر پیشرفت اجتماعی بانوان باشد، اما از آنجا که با کارکردهای حمایتی و مراقبتی مادران و انجام وظایف زناشویی سروکار

دارد مورد توجه واقع شده و پیامدهای ناشی از آن مورد ارزیابی و بررسی دقیق قرار می‌گیرد (اعزاز، ۱۳۸۷). همراه با دگرگونی در ساخت و کارکردهای خانواده همچنین با اقدام در جهت سرعت بخشیدن به این دگرگونی، پایگاه زن نیز دچار تغییر می‌شود. صنعت و شهرنشینی به زن امکان یافتن شغلی خارج از خانه را می‌دهد و از طرف دیگر، محیط شهری کمک به آزادی وی قبل از ازدواج و ضمن ازدواج می‌کند: در واحد مصرف خانواده قسمتی از بودجه یا حداقل آنچه را که به مصرف روزانه مربوط می‌شود در اختیار خود داشته و مراقبت و آموزش اطفال خود از آزادی زیادی برخوردار است (مسعودی، ۱۳۸۸: ۱۷).

به نظر گیدنز خانواده، دچار چهار نوع دگرگونی اصلی شده و در کشورهای غربی و صنعتی این چهار دگرگونی بسیار پیشروی کرده‌اند و به مرور در حال جهانی شدن هستند:

(۱) خانواده قبل از هرچیز یک واحد اقتصادی صرف نیست، بلکه مجموعه‌ای از پیوندها است که بیشتر براساس ارتباط و خصوصاً ارتباط عاطفی شکل می‌گیرد. مثلاً می‌توان گفت که در قدیم خانواده‌ها اغلب به دلایل اقتصادی و گاهی سیاسی _ نظامی بود ولی امروزه دیگر چنین چیزی دیده نمی‌شود و قضیه برعکس شده است و در کشورهای صنعتی (و غربی) که یک اقتصاد باز آزاد و در حال توسعه دارند، داشتن فرزند، یک هزینه بزرگ اقتصادی است و به همین دلیل تعداد فرزندان هر خانواده بطور متوسط به ۱/۲ کاهش یافته که کمترین میانگین در طول تاریخ بشری است. پس داشتن فرزند نیز نسبت به گذشته، بیشتر تصمیمی عاطفی است و در عصری زندگی می‌کنیم که می‌توان آن را عصر «کودک عزیز» نامید!!

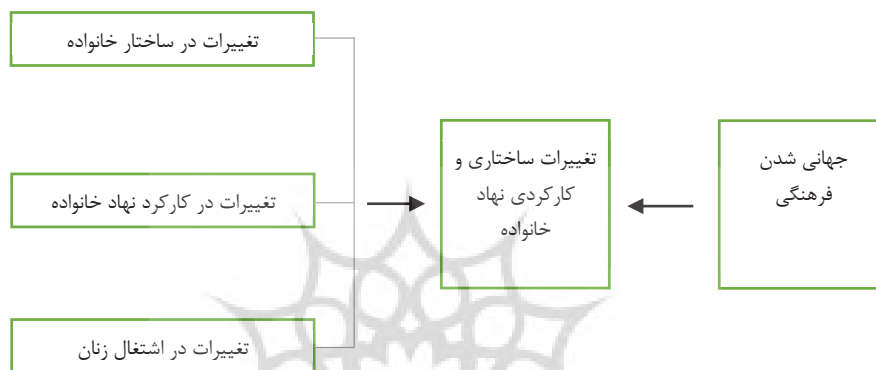
۱۱۳

(۲) نقش ثابت و تکراری زن و مرد که به صورت خانه‌داری و نان‌آوری بوده است سر تا پا تغییر و حتی برای اولین بار در تاریخ، جمعیت زنان شاغل از مردان پیشی گرفته است و می‌توان گفت: دیگر زن بودن و مرد بودن از نظر وظایف و هویت‌هایی که ایجاب می‌کند، معنای روشن و مشخص ندارد و زنان و مردان در چهارچوب سرنوشتی که بواسطه نقش آنها از پیش تعیین شده است، زندگی نمی‌کنند. هویت‌ها، بیشتر توسط خود افراد کشف می‌شوند و نه بواسطه نقش‌هایی که بازی می‌کنند.

(۳) براساس دیدگاه لیبرالی روش‌های مختلف و متکثر زندگی نه تنها رسمیت می‌یابد بلکه از اهمیت و ارزش بالایی نیز برخوردارند و این دیدگاه به حوزه روابط جنسی هم تسری یافته است و به این ترتیب، روابط همجنس‌گرایان و سایر روابط غیرمشروع و غیررسمی زن و مرد با هم، نه تنها عجیب نیست بلکه بسیار عادی و بعنوان یکی از روابط دو جنس مذکر و مونث، تلقی می‌گردد و البته ناگفته نماند که این تحولات جدید، مشکلات زیادی در زندگی ما به وجود آورده‌اند؛ مشکلاتی چون: «مشکل هویت»، «مشکل عقده‌های فکری» و «مشکل بی‌اختیاری» یا سردرگمی در انتخاب گزینه‌های بسیار متنوع و متکثر موجود در جامعه (Giddens, 2002).

۳- مدل تحقیق

متغیر مستقل: جهانی شدن فرهنگی (کاهش خشونت خانوادگی، کاهش جرائم اجتماعی و کاهش تغییر ارزش‌های اجتماعی)؛
متغیر وابسته: تغییرات ساختاری و کارکردی نهاد خانواده (تغییرات در ساختار خانواده، تغییرات در کارکرد نهاد خانواده و تغییرات در اشتغال زنان).



نمودار (۱) مدل مفهومی تحقیق محقق ساخته و برگرفته از ادبیات تحقیق

۴- روش تحقیق

از نظر هدف پژوهش پیش‌رو کاربردی، از نظر نوع داده‌ها کمی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان شاغل در منطقه ۷ شهرداری تهران هستند که تعداد آنها حدوداً ۲۵۰۰ نفر می‌باشد. با توجه به ضوابط نمونه‌گیری تعداد ۳۳۵ نفر بعنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. برای اندازه‌گیری متغیر جهانی شدن فرهنگی (کاهش خشونت خانوادگی، کاهش جرائم اجتماعی و کاهش تغییر ارزش‌های اجتماعی) استفاده شده است که دارای ۲۰ گویه می‌باشد. برای اندازه‌گیری متغیر تغییرات ساختاری و کارکردی نهاد خانواده از شاخص‌های (تغییرات در ساختار خانواده، تغییرات در کارکرد نهاد خانواده و تغییرات در اشتغال زنان) استفاده شده است که دارای ۲۲ گویه می‌باشد. در تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده آنالیز این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته شده است. در سطح توصیفی از توزیع فراوانی متغیرها، درصد، جداول، و شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و در سطح آمار استنباطی از روش‌های آزمون‌های مقتضی استفاده می‌گردد. در تحقیق حاضر با توجه به سطح سنجش متغیرها

و نوع فرضیات از هر دو دسته آزمون‌های تفاوت و رابطه استفاده گردیده است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق برپایه اطلاعات بدست آمده از گروه نمونه از آزمون معادلات ساختاری استفاده می‌شود. برای انجام این آزمون‌ها از نرم‌افزار AMOS23 استفاده شده است.

۵- فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی:

جهانی‌شدن فرهنگی در ایجاد تغییرات ساختاری و کارکردی نهاد خانواده در میان زنان شاغل در منطقه ۷ شهرداری تهران موثر می‌باشد.

فرضیه‌های فرعی:

(۱) جهانی‌شدن فرهنگی در ایجاد تغییرات در ساختار نهاد خانواده در میان زنان شاغل در منطقه ۷ شهرداری تهران موثر می‌باشد.

(۲) جهانی‌شدن فرهنگی در ایجاد تغییرات در کارکرد نهاد خانواده در میان زنان شاغل در منطقه ۷ شهرداری تهران موثر می‌باشد.

(۳) جهانی‌شدن فرهنگی در ایجاد تغییرات در اشتغال بانوان شاغل در منطقه ۷ شهرداری تهران موثر می‌باشد.

۱۱۵

۶- آزمون فرضیه‌های پژوهش

(۱) فرضیه فرعی اول: جهانی‌شدن فرهنگی در ایجاد تغییرات در ساختار نهاد خانواده در میان زنان شاغل در منطقه ۷ شهرداری تهران موثر می‌باشد.

براساس نتایج به دست آمده، مقدار ضریب اثر (۶۸ درصد) و مقدار آماره t برابر (۹/۷۱۴) می‌باشد. باتوجه به اینکه مقدار قدر مطلق t بیشتر از ۱/۹۶ بدست آمد، بنابراین ضریب اثر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بوده است. باتوجه به مثبت بودن علامت ضریب اثر مشخص می‌گردد جهانی‌شدن فرهنگی اثر مثبت در ایجاد تغییرات در ساختار نهاد خانواده در میان زنان شاغل دارد. به عبارتی با افزایش جهانی‌شدن فرهنگی تغییرات بیشتری در ساختار نهاد خانواده در میان زنان شاغل به وجود می‌آید. بنابراین فرضیه فوق تایید می‌گردد.

- بحث و مقایسه

در مقایسه با تحقیقات انجام شده، نتایج تحقیق مهین با اوش؛ معصومه با اوش و فریبا حکیمی با عنوان «آسیب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده»، نشان داده است که می‌توان با اقداماتی از جمله بازتعریف ارزش‌ها و سبک زندگی ایرانی-اسلامی، تدوین الگوی خانواده سالم، تدوین نقشه راه تحکیم بنیان خانواده، ایجاد فضاهای

شهری خانواده‌محور، تقویت حوزه خرده فرهنگ‌ها و آئین‌های کهن ایرانی و اقداماتی دیگر به مقابله با اثرات منفی این پدیده در جامعه پرداخت (با اوش و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۷). نتایج تحقیق کومار نیز با عنوان "تأثیرات جهانی شدن بر ساختار خانواده: رویکرد جامعه‌شناسانه ۳۰۰ خانواده بنگالی" نشان داده است که تغییرات زیادی در جامعه بنگالی تحت تأثیر جهانی شدن صورت گرفته است. با این حال این تغییرات اساساً در حیطه محدودی در ساختار خانواده اتفاق افتاده است. این تغییرات مرتبط با هر دو جنبه ساختار خانوادگی بود اما جنبه دوم یا همان نقش خانواده در حیطه محدودی تغییر کرده است. این اجتماع نه تماماً باورها و اعمال سنتی خود را ترک کرده است و نه تماماً مدرنیسم را در ساختار خانواده خود پذیرفته است. نقش اجتماعی خانواده بین سایه کم‌رنگی از جهانی شدن و ارزش‌های خانوادگی، خود را بروز داد. در نتیجه اجتماع بنگالی دستخوش تغییراتی در ساختار خانوادگی ناشی از تأثیرات جهانی شدن شد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق مهین با اوش، معصومه با اوش و فریبا حکیمی و کومار همخوانی دارد.

۲) فرضیه فرعی دوم: جهانی شدن فرهنگی در ایجاد تغییرات در کارکرد نهاد خانواده در میان زنان شاغل در منطقه ۷ شهرداری تهران موثر می‌باشد.

مطابق نتایج به دست آمده، مقدار ضریب اثر (۶ درصد) و مقدار آماره t برابر (۸/۶۹۵) می‌باشد. باتوجه به اینکه مقدار قدر مطلق t بیشتر از ۱/۹۶ بدست آمد، بنابراین ضریب اثر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بوده است. باتوجه به مثبت بودن علامت ضریب اثر مشخص می‌گردد جهانی شدن فرهنگی اثر مثبت در ایجاد تغییرات در کارکرد نهاد خانواده در میان زنان شاغل دارد. به عبارتی با افزایش جهانی شدن فرهنگی تغییرات بیشتری در کارکرد نهاد خانواده در میان زنان شاغل به وجود می‌آید. بنابراین فرضیه فوق تایید می‌گردد.

- بحث و مقایسه

در مقایسه با تحقیقات انجام شده، نتایج تحقیق زاهدی و حق‌شناس با عنوان "آسیب‌شناسی تهاجم فرهنگی بر کارکردهای خانواده" نشان داده است که باتوجه به اینکه تهاجم به ارزش‌ها و باورهای اصیل و بومی کشورهای اسلامی، بویژه جمهوری اسلامی جدی است و در این تهاجم، هدف اصلی، خانواده‌ها و جوانان مسلمان‌اند که سرمایه‌های جامعه‌اند و جوانان به دلیل ویژگی‌های خود بیشتر از اقشار دیگر در معرض آسیب این تهاجم هستند، لذا باید با شناخت اهداف کشورهای استعمارگر و استفاده بهینه و درست از فناوری‌های روز همانند ماهواره، اینترنت، برنامه‌ها و فیلم‌های آموزنده این تهاجم فرهنگی را خنثی نمود و با تقویت بنیادهای فرهنگی و معنوی و آگاهی دادن به خانواده‌ها، به تقویت هویت مذهبی و ارزش‌های دینی در میان نسل جوان پرداخت. نتایج تحقیق جلیل سبحانی با عنوان "جهانی شدن و سبک زندگی" نشان داده است که جهانی شدن و سبک زندگی از مفاهیم نو پدید در عصر مدرن هستند یکی از مهمترین ابعاد جهانی شدن بعد فرهنگی است و نمود آن فراگیری رسانه‌ها می‌باشند رسانه‌ها بخش مهمی از زندگی انسان‌ها را در برگرفته و

در شکل‌دهی به سبک زندگی ما نقش اساسی را ایفا می‌کنند. در این مقاله به روش توصیفی به نقش رسانه بعنوان یکی از متغیرهای اصلی جهانی‌شدن در شکل‌دهی به سبک زندگی اشاره شده است چارچوب نظری مطالعه ترکیبی از نظریات وبر و بلمن بودیو و بودریار است. نتایج بررسی بیانگر آن است که مردم برای متمایز نشان دادن خود از دیگران سعی دارند به مصرف نمادین روی آورده و براساس آن از یک سبک خاصی پیروی نمایند از این‌رو مصرف‌آمیزی نمادین اجتماعی و فرهنگی است در این فراگرد رسانه‌ها در کانون اعتباربخشی قرار دارند. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق زاهدی و حق‌شناس و جلیل‌سحابی همخوانی دارد.

۳) فرضیه فرعی سوم: جهانی‌شدن فرهنگی در ایجاد تغییرات در اشتغال بانوان شاغل در منطقه ۷ شهرداری تهران موثر می‌باشد.

برطبق نتایج به دست آمده، مقدار ضریب اثر (۷۸ درصد) و مقدار آماره t برابر (۱۳) می‌باشد. باتوجه به اینکه مقدار قدر مطلق t بیشتر از $1/96$ بدست آمد، بنابراین ضریب اثر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بوده است. باتوجه به مثبت بودن علامت ضریب اثر مشخص می‌گردد جهانی‌شدن فرهنگی اثر مثبت در ایجاد تغییرات در اشتغال زنان در میان زنان شاغل دارد. به عبارتی با افزایش جهانی‌شدن فرهنگی تغییرات بیشتری در اشتغال زنان در میان زنان شاغل به وجود می‌آید. بنابراین فرضیه فوق تایید می‌گردد.

- بحث و مقایسه

۱۱۷

در مقایسه با تحقیقات انجام شده، نتایج تحقیق آمنه مشایخ صالحانی و روجا غضنفرنیا با عنوان "جهانی‌شدن و اشتغال زنان" نشان داده است که جهانی‌شدن، یک پدیده گسترده جهانی است که آثار متفاوتی بر زندگی مردم جهان، اعم از غنی و فقیر، زن و مرد، سیاه و سفید، شهری و روستایی بر جای نهاده است. یکی از فرصت‌های مهم جهانی‌شدن برای زنان افزایش مشارکت آنان در بازار کار است. جهانی‌شدن نشان دهنده یک سازمان جدید در پروسه‌های تولید است که باعث تغییر در روابط کارگری و زنانه شدن هرچه بیشتر نیروی کار شده است که افشاکننده این است که زنان با مکانیزم‌های گوناگون مورد بهره‌برداری‌اند. بررسی وضعیت اشتغال زنان یکی از مباحث بسیار مهم در جامعه صنعتی امروز می‌باشد. به همین دلیل شناسایی مجموعه عواملی که در جامعه صنعتی امروز می‌تواند بر اشتغال زنان و نقش شغلی آنان تأثیرگذار باشد در اولویت قرار دارد، تا زمینه‌ساز این باشد که این قشر توانمند بتواند هرچه بیشتر در بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور موثر واقع شود اشتغال زنان در جریان توسعه، امری گریزناپذیر و در مواردی با شدت یافتن نیازهای فرد و جامعه، ضروری است. اگرچه زنان سهم مهم و قابل توجهی در اقتصاد ایران دارند، اما ارزش فعالیت‌های اقتصادی آنان، با مردان لحاظ نمی‌شود، بنابراین هدف در این مقاله بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر اشتغال زنان می‌باشد (کاوند، ۱۳۸۷: ۸۴). دستاوردها حاکی از آن است که زنان علاوه بر کار در خانه و انجام

وظیفه مادری و تربیت فرزندان، پا به پای مردان در خارج خانه کار کرده و دستمزدی پایین‌تر از مردان در فعالیت یکسان به آنها پرداخت شده و هیچ آینده شغلی برای پیشرفت در کارشان برای آنها در نظر گرفته نشده است. نتایج تحقیق مهدی طاهرخانی با عنوان "آثار جهانی شدن بر زنان" نشان داده است که این جهانی شدن دو رویه دارد. از یکسو، تهدیدی است که کشورهای در حال توسعه با آن روبرو هستند و، از سوی دیگر، فرصتهایی برای این کشورهای به وجود آورده است. سازوکارهای مورد استفاده در فرآیند جهانی شدن مشابهت دارند، ولی آثار و پیامدهای آن در جوامع مختلف کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، شهرها و روستاها، زنان و مردان کاملاً متفاوت است. در این بین، آثار جهانی شدن بر زنان عمق و پیچیدگی بیشتری دارد. بدین ترتیب، اگرچه جهانی شدن آثار مثبتی همچون افزایش درآمد، رشد اشتغال، توسعه سرمایه اجتماعی، افزایش بهره‌وری، افزایش حق انتخاب، افزایش سطح آگاهی‌ها، و کاهش مولید را برای زنان به همراه داشته، به همان نسبت نیز آثار منفی نظیر رشد اشتغال غیررسمی، پرداخت دستمزدهای اندک، کاهش امنیت غذایی، افزایش مهاجرت، فروپاشی ارزش‌های سنتی، عدم امنیت شغلی و گسترش فرهنگ مصرف را به زنان زنان تشدید کرده است. ویژگی‌های کارکردی زنان ایران نشان می‌دهد که به دلیل محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه زنان و تجربیات جهانی حاصل از جهانی شدن، تهدیدهای فراوری زنان کشور بیشتر از فرصت‌های پیش‌روی آنان استنتاج این تحقیق با نتایج تحقیق آمنه مشایخ صالحانی و روجا غضنفرنیا و مهدی طاهرخانی همخوانی دارد.

۱۱۸

نتیجه‌گیری

جهانی شدن استحکام خانواده‌ها را در سراسر جهان تهدید کرده و متزلزل ساخته است. و فرآیند جهانی شدن نظم سنتی حاکم بر فضا و زمان را برهم زده و خانواده‌های نوبنیاد را بیشتر تهدید می‌کند. خانواده در گذر زمان مراحل متعددی را تجربه می‌کند و همواره دستخوش تحولات گوناگونی از جمله نوع و شکل آن، وظایف زن و مرد، تغییر در نقش مردان و زنان و حتی کودکان است. خانواده یک واحد اجتماعی ایستا نیست، بلکه فرایندی از تغییر مداوم است. شاید بتوان از خانواده و روابط درون آن بعنوان مهمترین و دقیق‌ترین معیار تحولات، تغییرات و پیشرفت‌های یک اجتماع در جریان جهانی شدن نام برد (به‌پژوه، ۱۳۸۶).

قبل از انقلاب صنعتی، اشکال خانواده از جایی به جایی دیگر، متفاوت بود؛ اما هر کجا کشاورزی رواج داشت، مردم به زندگی در خانواده‌های بزرگ چندنسلی تمایل پیدا می‌کردند که متشکل از عمو، دایی- عمه، خاله، اقوام زن-شوهر، مادر بزرگ-پدربزرگ بود که همگی زیر یک سقف بسر می‌بردند و به صورت یک واحد تولید اقتصادی با هم کار می‌کردند ولی ساخت خانواده، به تدریج و طی تجربه دردناکی شروع به تغییر کرد؛ مهاجرت به شهرها رشته خانواده را از هم گسست و بحران‌های اقتصادی ویران‌گر، خانواده‌ها را بر آن داشت که خود را

از زیربار گران خویشاوندان ناخواسته رها سازند و در نتیجه، کوچک‌تر شوند و از تحرک بیشتری برخوردار شوند. تغییرات ایجاد شده فوق در خانواده، به نظر تافلر مربوط به «موج دوم» با جامعه صنعتی شده بود اما با شروع «موج سوم» و ورود جامعه به دوران فراصنعتی، شاهد از هم پاشیدگی نظام «خانواده هسته‌ای» و پایان این تصور خواهیم بود که «خانواده هسته‌ای» به منزله «انگاره آرمانی خانواده» است (محمدپور، ۱۳۹۰: ۵۴). اگر خانواده هسته‌ای را متشکل از یک زن و شوهر و دو کودک بدانیم، در حال حاضر، ۷ درصد از کل جمعیت ایالات متحده در این نوع خانواده‌ها زندگی می‌کنند و ۹۳ درصد از کل جمعیت در چارچوب این مدل ایده‌آل موج دومی نمی‌گنجد و طبق آمارها یک پنجم تمامی خانواده‌ها در ایالات متحده از افرادی تشکیل می‌شود که به تنهایی زندگی می‌کنند و عده زنان و مردانی که بدون ازدواج رسمی با هم زندگی می‌کنند رو به افزایش است و طبق گزارش‌های مقامات دولتی در دهه اخیر بیش از دو برابر شده است و تحول مهم دیگر افزایش تعداد زوج‌هایی است که مایل به داشتن بچه نیستند و به اصطلاح «شیوه زندگی بدون بچه» را برای خود انتخاب کرده‌اند و حتی سازمان‌هایی به وجود آمده‌اند که زندگی بدون بچه را تشویق می‌کنند و بی‌میلی نسبت به داشتن بچه در بسیاری از کشورها روبه افزایش گذاشته است. در سال ۱۹۶۰ فقط ۲۰ درصد از زنان آمریکایی «همیشه متأهل» زیر ۳۰ سال، بدون بچه بودند ولی در سال ۱۹۷۵ این رقم به ۳۲ درصد افزایش یافت. هم‌اکنون یک سوم خانوارها تک‌نفری هستند و زنان با پیشگیری از زایمان، به مقابله پدرسالاری رفته‌اند و در پاره‌ای از کشورهای غربی (مانند اسپانیا و ایتالیا)، میزان باروری، کمترین میزان در جهان است و حتی پایین‌تر ۱۱۹ از میزانی است که برای تجدید نسل لازم است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۹۰). نمونه دیگری از تحول در ساخت خانواده در جوامع کنونی (که در دوران فراصنعتی هستند)، خانوارها و خانواده‌های همجنس‌گرا هستند اگرچه آمار دقیقی از تعداد آنها وجود ندارد، اما طبق نظر گونزیورک و اینریچ، ۱۰ درصد جمعیت مذکر و ۶ تا ۷ درصد جمعیت مونث در آمریکا، «همجنس‌گرا» هستند. به علاوه، بخش در حال رشد دیگری از خانواده‌ها، که شاید به زودی قریب به ۴۰ درصد شود، به «خانوارهای غیرخانوادگی» مربوط می‌شود و طبق اداره آمار ایالات متحده، در این گروه، هم اتاقی‌ها، دوستان و افراد غیرخویشاوند جای دارند در واقع این مقوله شامل زوج‌های ناهمجنس و همجنس است که بدون داشتن فرزند زندگی می‌کنند.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- احمدی، علی اصغر (۱۳۸۶)، **جهانی شدن و تحول الگوهای تعاملی خانواده**، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی خانواده و جهانی شدن، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۲- اعزازی، شهلا (۱۳۸۷)، **جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر**، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- ۳- بااوش، مهین و دیگران (۱۳۸۰)، **آسیب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده**، ج ۱، تهران: دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.
- ۴- به‌پژوه، احمد (۱۳۸۶)، **جهانی شدن و آسیب‌شناسی خانواده**، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی خانواده و جهانی شدن، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۵- روحانی، حسن (۱۳۸۹)، «خانواده، سرمایه خانواده و چالش‌های فراروی جامعه ما»، **فصلنامه راهبرد**، س ۵۷.
- ۶- زارع، قاسم (۱۳۸۶)، «رابطه بین عوامل روان‌شناختی توانمندسازی کارشناسان و کارآفرینی سازمانی در سازمان تربیت بدنی کشور»، **نشریه علوم حرکتی و ورزش**، س ۵، ش ۹.
- ۷- شهبانی، محمود و جهانگردی، مجتبی (۱۳۸۷)، «خاستگاه اجتماعی استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای فارسی زبان در میان مخاطبان»، **فصلنامه پژوهش‌های فرهنگی**، س ۲.
- ۸- ضیایی‌پور، حمید (۱۳۹۴)، «آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی برای نظام خانواده»، **فصلنامه راهبرد**، ش ۷.
- ۹- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۸)، **خلاصه تعالیم اسلام**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ۱۰- عباسی مولید، حسین (۱۳۹۰)، «رابطه تعهد زناشویی با ارزش‌های فرهنگی زوجین»، **فصلنامه مطالعات انتظامی شرق**، ش ۱۴.
- ۱۱- عنایت، حلیمه و موحد، مجید (۱۳۸۳)، «زنان و تحولات ساختاری جامعه در عصر جهانی شدن»، **فصلنامه زن در توسعه و سیاست**، ش ۹.
- ۱۲- قلی‌زاده، آذر (۱۳۹۱)، **جامعه‌شناسی فرهنگی**، اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- ۱۳- کوئن، بروس (۱۳۷۸)، **درآمدی بر جامعه‌شناسی**، مترجم: محسن ثلاثی، چ ۷، تهران: نشر توتیا.
- ۱۴- کاستلز، مرید (۱۳۸۰)، **عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ**، مترجم: علی پایا و محسن چاوشیان، ج ۱، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۱۵- کاوند، رضا (۱۳۸۷)، «مطالعه کیفی نحوه دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم اجتماعی**.
- ۱۶- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، «فرهنگ، تهاجم، تبادل و تحول»، **فصلنامه مطالعات ملی**، ش ۶.

- ۱۷- محمدپور، فهیمه (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه انسجام خانواده و بحران هویت در نوجوانان»، پایان‌نامه کارشناسی-ارشد، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز.
- ۱۸- مسعودی، امیدعلی (۱۳۸۸)، «شبکه‌های تلویزیونی به مثابه عامل موثر بر فرهنگ عمومی»، فصلنامه پژوهشی فرهنگی، ش ۷.
- ۱۹- مشایخ صالحانی، آمنه و دیگران (۱۳۹۳)، «جهانی‌شدن و اشتغال زنان»، همایش ملی تحکیم بنیان خانواده و نقش زن. https://www.civilica.com/Paper-KHNT01-KHNT01_027.html
- ۲۰- نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۶)، جهانی‌شدن و تغییر در ارزش‌های خانواده، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی خانواده و جهانی‌شدن، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۲۱- وایت، برایان (۱۳۸۰)، مسائل سیاست جهان، مترجم: سیدمحمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

لاتین:

- 22- Ghasemi, hakim (2010). Globalization and International Relation: Actors Move from Non cooperative to Cooperative Games. *Journal of Global & Strategic*. Nomor 1. January-June. Indonesia: Cakra Study Global and Strategic.
- 23- Giddens, A. (2002). *Runaway World: How Globalization Is Reshaping our Lives*. Routledge. NY.
- 24- Smith, L (1999). *Globalization and Education*. Kluwer Academic Publishers .